

چندی است با تصویب جناب آقای پیرنیا نیابت تولیت عظمی و استانداری محترم خراسان در آستان قدس سازمان جدیدی به اسم سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس تشکیل یافته است. این سازمان که زیر نظر استاد رجائی اداره می‌شود برنامه‌ای وسیع و مهم در دست اقدام دارد که از جمله تدوین فرهنگنامه‌ای بر اساس ترجمه‌های فارسی قرآنی نفیس آستان قدس می‌باشد. این قرآن‌ها از دیرباز در انبار کتابخانه نگاهداری می‌شده و بعضی هم در ضمن تعمیرات و نوسازی بیوتات مطهر بدست آمده است و هم‌اکنون در سازمان امور فرهنگی مورد بررسی و مطالعه است. از آنجا که عده زیادی به این موضوع علاقه‌مند بودند لازم بود اطلاعاتی در دسترس خوانندگان محترم نامه آستان قدس گذاشته شود به همین مناسبت شرحی را که آقای یاحقی عضو شایسته فرهنگنامه قرآن نوشته است درج می‌کنیم و برای استاد رجائی و دیگر کسانی که تحت سرپرستی معظم له در این کار پسنندیده بذل‌جهد می‌کنند توفیق در خدمت مسألت می‌داریم.

فرهنگنامه قرآنی

کتابخانه آستان قدس میراث فرهنگی قوم مسلمان ایرانی است که بسیاری از یادگارهای تمدن این ملت را در دل خویش جای داده و دریغاً که در زیر سرپوش ناآگاهی زمان از یادها رفته است.

از جمله نفایس این دفیینه بزرگ مجموعه قرآنی خطی آنست که مسلمانان پا کاعتقاد این سرزمین طی روزگاری دراز برروضه رضویه وقف کرده‌اند و بتدریج به کتابخانه منتقل شده است.

هزارها قرآن خطی نفیس که ره آورد ذوق و هنر و ایمان این قوم بشمار است، سالیان دراز در انبارهای تاریک این کتابخانه با گرد و غبارها رازگفت و بانتظار نشست آخر سپیده دمید و شب انتظار بسر آمد.

استاد دکتر احمد علی رجائی، مدیر کل امور فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس در اولین روزهای سرپرستی خویش ضمن بررسی این قرآن‌های خطی به ترجمه‌های پارسی

بسیار کهن در بین این قرآنها برخوردارند، پس از بررسی و مطالعه چند نسخه از ترجمه‌های پارسی و بخصوص پیدا شدن نسخه‌ای قدیمی و بس ارزنده که از نظر ترجمه پارسی بی نظیر است (۱) این اندیشه پیش آمده که این لغات و ترکیبات پارسی سره و برابرهای دقیق کلمات عربی که هم اکنون بسیاری از آنها مرده و حتی در فرهنگهای قدیم ما هم نیست شایسته بررسی دقیقتری میباشد بهمین منظور مقدار بیشتری از این قرآنها مترجم مورد مطالعه ایشان قرار گرفت.

اینجا بود که استاد رجائی برای تدوین فرهنگنامه قرآنی براساس لغات فارسی سره این قرآنها دست اندر کار شد و با کمک چند تن از دانشجویان علاقه مند دانشکده ادبیات مشهد کارهای مقدماتی را آغاز کرد. و آن عبارت بود از جدا کردن تمام قرآنها مترجم، از قدیم و جدید و پس از آن صفحه شماری و تهیه فهرست برای هر یک با دقت هر چه بیشتر با این توضیح که تمام این قرآنها بدون صفحه شماری و فهرست بود

کار بیرون کشیدن نسخه‌های مترجم که نخست چندان زیاد نبود، بسا پیدا شدن متجاوز از چهار صد نسخه قرآن با ترجمه پارسی، فوق‌العاده بزرگ شد و همکاری عمده بیشتری لازم می نمود.

نخستین اقدامات این کار از اول تیرماه سال گذشته (۴۸) شروع شد و بتدریج با همکاری هشت نفر از دانشجویان و گسترش زمینه فعالیت تا اوایل آذرماه کار فهرست و صفحه شماری تقریباً تمام شد.

نگارنده با وجودی که تقریباً از همان اوایل کار افتخار خدمتگزاری این سازمان را داشته و تعداد زیادی ازین گوهرهای تابناک را بدیده شوق نگریسته و از هر فرصتی برای مطالعه و فیش برداری از آنها سود جسته است، ادعا نمی کند که بتواند از عظمت این نقایس سخن بگوید. لیکن از سر این مطلب نتواند گذشت که برخی ازین قرآنها آن قدر از نظر ترجمه قوی است که زیر نویس آیات خود بصورت نثری دل انگیز و استوار در آمده است و از ترجمه لفظ بلفظ و عربی ما بانه چنانکه در قرآنها چاپی مترجم معمول است خود داری شده است و توان گفت مترجم تا آنجا که توانسته مفهوم واقعی کلام الهی را بر - گردانده است.

باید افزود که اعتقاد مترجمین و بطور کلی تمام مسلمانان مبنی بر اینکه ترجمه

۱- این قرآن هم اکنون بنام قرآن شماره ۴ مورد بررسی و مطالعه ایشان می باشد و رساله‌ای مفصل تحت عنوان « متنی پارسی از قرن چهارم » هم در این زمینه دارند که اخیراً از چاپ خارج شد. قرآن مزبور قرار است بفرمان مطاع ملوکانه چاپ افست شود.

نادرست و مسخ کلام الهی گناهی نابخشودنی است ، مترجمین باسواد را بر آن داشته است که برای هر کلمه عربی معنی واقعی و معادل دقیق پارسی آنرا بجویند و در ترجمه خویش بیاورند . پر واضح است که چنین اعتقادی تا چه اندازه می تواند در صحت و اتقان گزارش کلام مجید مؤثر باشد .

بسیاری از این ترجمه ها و اجادش را بطمذکور در فوق هست ولی البته گاهگاه مترجمین کم سوادی هم بوده اند و کارشان گواهی می دهد که خوب از عهده بر نیامده اند ، بعضی هم که به دانش خود اطمینانی نداشته اند ترجمه پارسی قرآن خویش را از روی قرآنی قدیمی تر رونویس کرده اند و این البته اهمیتش منوط به ترجمه اصل است . بهمین منظور ممکن است ما قرآنی داشته باشیم که اگر چه در قرون متأخر تحریر یافته ولی ترجمه آن مستند و محکم باشد و این همان مواردی است که کاتب ترجمه خود را از قرآنی قدیمی تر التقاط کرده است .

بدیهی است که از روی این ترجمه های استوار می توان قوانین و قواعدی متقن برای ترجمه کتب عربی استخراج کرد .

سخن از چگونگی کار گروه فرهنگنامه بود .

این قرآنها که به فاصله قرن چهارم تا سالهای اخیر مربوط می شد بطور کلی چند قسمت بود .

نخست : ترجمه های بسیار کهن و برابره های دقیق فارسی که یا فاقد تذهیب بود و یا تذهیب جالبی نداشت ولی تعداد آن نسبتاً قابل ملاحظه بود .

دسته دیگر قرآنهائی است که در عین داشتن ترجمه های متوسط دارای تذهیب عالی و دقت و هنر نمائی بود ، این قرآنها اکثراً کامل است و فقط بعضی ها که فرسوده شده با مختصر وصالی و گاه نو نویسی و صحافی بعدی می باشد و همین قرآنهاست که تاریخ کتابت و وقف و نیز نام کاتب و واقف ندارد . بعضی از این قرآنها کامل نیست و برخی هم بصورت سی پاره و شصت پاره همراه با ترجمه پارسی می باشد که حائز اهمیت است و یکی از این سی پاره ها با خط و ترجمه بسیار خوب و پخته می باشد که اخیراً يك جلد آن بطریق افست ، تحت عنوان « نشریه شماره ۱ سازمان فرهنگی و کتابخانه های آستان قدس » چاپ و منتشر گردید که در دسترس دانش پژوهان قرار گیرد .

اضافه می کنم که استاد رجائی با تصویب جناب آقای پرنیا نیابت تولیت عظمی و استنادار دانش پرور خراسان در نظر گرفته اند هر چند گاه یکی از این جزوه های منتخب را بطریق افست چاپ و در اختیار مسلمانان ادب دوست قرار دهند تا اثر ذوق و ایمان اجداد خویش را معاینه به بینند و جزوه فوق الذکر اولین شماره آن بود . از لابلای اوراق

یکی از قرآنهاى مترجم این مجموعه قسمتی از ترجمه تفسیر طبری پیدا شده که حدس زده میشود قدیمترین نسخه‌ای باشد از این کتاب که بدست آمده و طبق نظر استاد رجائی باید در قرن ششم تحریر یافته باشد. این قسمت از داخل اوراق آن قرآن بیرون آورده شده و در نظر است بطور جدا گانه افست شود.

قطع قرآنهاى مورد بحث از ده سانتی متر تا يك متر طول و عرض متفاوت است و بعضی از آنها نیز از نظر فن جلد سازی و نقاشی روی جلد دیدنی است. قرآنهاى با قطع جیبی و تذهیب فوق العاده ظریف هم درین مجموعه کم نیست.

بالجمله پس از اتمام کارهای مقدماتی - فهرست و صفحه شماری و دسته بندی - طبق متدی که آقای دکتر رجائی به ما دادند کار فیش کردن را آغاز نهادیم، روش ما این است که کلماتی را که به فارسی سره معنی شده با معادل دقیق پارسی و رعایت امانت در ضبط و املاى نویسنده وزیر و زبیر فارسی روی فیش یاد داشت کرده، شماره صفحه و شماره قرآن و نیز اسم سوره را در کنار سمت چپ فیش می نویسیم البته در ضبط معادل پارسی رسم الخط امروز را معمول می داریم و مثلاً پ و چ و ژ را بر خلاف قدیم که با يك نقطه نوشته می شده طبق خط امروز با سه نقطه ضبط می کنیم کلماتی را که در معنی جزئی عربی باشد رها و به ترجمه های خالص پارسی بسنده می کنیم مثلاً در ترجمه «آمنوا» ازدومعنی «ایمان آوردند» و «گرویدند» فقط دومی فیش می شود در ضبط معانی فارسی حتی از حروف و اصوات و روابط هم چشم نمی پوشیم. واژه های عربی را که با حروف و ضمائر و کلمات قبل و بعد خود متصل میشود، موقع فیش کردن بدقت تا آنجا که ممکن باشد و بمعنی کلمه خللی وارد نیاید تفکیک کرده، آنگاه با برابرهاى خود بر روی فیش می آوریم. برای مثال کلمه «اقبال باطل» نخست به چهار کلمه ا، ف، ب و باطل تفکیک شده آنگاه هر کلمه جدا گانه با معنی خویش فیش می شود و کلمات مرکب دیگر نیز بهمین قیاس.

در موقع فیش کردن تنوین و «ال» تعریف و بطور کلی خصوصیات عربی کلمات معرب حذف میشود مگر اینکه حذف آن مغل معنی پارسی باشد.

کلمات مرکب عربی که در فارسی به يك کلمه بسیط معنی می شود، البته بصورت ترکیب ضبط می کنیم، مثل کلمات «ابن السبیل» و «ذی القربی» عربی در صورتیکه به ترتیب راهگذر و خویشاوند معنی شده باشد زیرا دو کلمه اخیر در فارسی تقریباً بسیط تلقی می شوند اگر چه در اصل مرکب هستند. خلاصه تمام هم ماصروف به این است که به کلمه فارسی خللی وارد نشده و بتوانیم با رعایت امانت و صحت این کار را دنبال کنیم.

پیدا است این چنین کاری نه چندان سهل است که ابدأ مشکلاتی سر راه نباشد بلکه ما همواره در کار خویش با مشکلات زیاد روبرو می شویم که با همفکری و مراجعه بقرآنهاى

چاپی و معاجم و فرهنگهای عربی و فارسی گشوده میشود و اگر هم نشد همت و تشویق و راهنمایی استاد رجائی بدرقه راه است .

بطور کلی ممکن است يك كلمه از جهات ذیل فیش شود .

نخست : از جهت لغت که برابرهای فارسی یادداشت می شود .

دیگر : از جهت قواعد دستوری مثل مطابقت صفت و موصوف و وضع پیشوند و پسوند ها و نیز انواع یاهای مجهول و مسائل متعدد دیگر .

سدیگر : از نظر فن ترجمه و توجه باینکه مثلاً کلمه واحد بسته به مقامش در جملات مختلف چگونه معنی می شود و با وضع تأکید و روابط و عطف در ترجمه پارسی چگونه است و نکاتی ازین قبیل .

چهارم : از نظر لهجه شناسی و آثار و نشانه های گویشهای محلی که با مقابله تعداد زیادی از ترجمه ها معلوم شود مثلاً فلان قرآن بدون تاریخ و کاتب مربوط به چه قسمتی از ایران و در چه زمانی نگارش یافته است و علاوه بر همه اینها مراجعه به این قرآنها برای تهیه اطلس لهجه شناسی ایران و حتی جهان نیز مفید خواهد بود .

باید افزود که برخی از این ترجمه های پارسی اعراب دارد که خود از نظر روشن شدن وضع تلفظ بسیاری از کلمات حائز اهمیت فوق العاده می باشد و حتی بسیاری از این تلفظها با آنچه امروز متداول و یا در فرهنگهای ما ضبط است متفاوت می باشد . با این حساب هر قرآنی بسته به مقدار لغات پارسی سره اش هزار ها و بل دهها هزار فیش می شود که بلافاصله پس اتمام و کنترل دقیق به ترتیب حروف الفبا مرتب شده بایگانی می شود .

باین ترتیب پس از آنکه تمام این قرآنها با این دقت فیش شد ، ما میلیونها فیش خواهیم داشت که کنترل و بررسی آن کار آسانی نیست ، در پایان طبق دستور آقای دکتر رجائی در نظر است این فیشها يك بار دیگر بررسی شده و موارد لهجه ای و نیز آنها که مربوط به فن ترجمه است بیرون آورده شده و توسط متخصصینی که در نظر است به این کار گمارده شوند مطالعات لازم پیرامون آنها بعمل آید و چه بسا که بعد از پیاده شدن این نقشه ها زوایای تاریکی از دستور زبان ما که متأسفانه کم هم نیست روشن شود و قوانین و اصولی برای ترجمه فصیح و استادانه بدست آید و زبان و ادب پارسی در مسیر تازه ای بیفتد . بقیه فیشها هم که فقط برای موارد لغوی یادداشت شده قرار است به وسیله ماشینهای آی ، بی ، ام مرتب شده و بصورت فرهنگنامه عظیمی با توضیحات و تعلیقات بایسته بتدریج چاپ شود . با این حساب قطعاً این فرهنگ از نظر حجم و نیز احتواء بر لغات و ترکیبات

فارسی سره تا روزگار خود بی نظیر خواهد بود (۱)

واهل تحقیق دانند که وجود چنین فرهنگی بخصوص از جهت ترکیبات فارسی سره اش چقدر بایسته است .

با وسعت روز افزونی که دامنه کار پیدامی کند در صورت همکاری عده بیشتری احتمال می رود این کار متجاوز از ۵ سال در دست انجام باشد ، چنانکه هم اکنون بیش از یک سال از آغاز این کار می گذرد و هنوز حتی یک صدم کار اساسی هم انجام نگرفته است با وجودیکه حدود بیست قرآن ازین مجموعه تاکنون فیش شده است . در حال حاضر این کار با همکاری خستگی نا پذیر ده نفر از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشکده ادبیات والهیات مشهد ادامه دارد .

سخن از یک چنین کاری شاید بدون دادن شواهد و نمونه هائی چندان مطلوب نیفتد خاصه که علاقه مندان فقط از دور نامی می شنوند و با وعده های دور و دراز سالها باید منتظر بمانند تا اثر این خدمت فرهنگی را به بینند و از آن بهره گیرند . باید گفت که در اثر کثرت قرآنها قابل فیش و انواع لهجه های مربوط به نواحی گوناگون و زمانهای مختلف ، این کار هم از جهت لغات متروک پارسی که در مآخذ دیگر کمتر دیده می شود و هم از حیث تعدد معانی برای لغت واحد و فایده های دیگر لهجه شناسی دامنه ای بس وسیع دارد که نشان دادن شواهد برای هر یک ازین موارد خود مطلب را مفصل و بیش از اندازه پر دامنه می کند لیکن توجه به مثالهای زیر که از چند قرآن دم دست التقاط شده در حکم قطره ای از دریا تواند بود .

ملجأ : خشواذه ، طل : فرنجاب و در قرآنی دیگر همین کلمه فریجاب معنی شده ضفادع : جغزان (در چند قرآن) ، اسوة : آویسه ، لایکلف : نه بسکفت فرموده شود ، درین قرآن تمام مشتقات دیگر این کلمه نیز چنین معنی شده ، در همین قرآن کلمه اختلاف و سایر صیغ آنرا «برافروده» معنی کرده است . علاوه بر چنین کلمات نامأنوس ترکیبات ساده و زیبایی در برابر لغات تازی بچشم می خورد که هر فارسی زبانی را از استعمال لغات دشوار عربی بی نیاز تواند داشت از آن جمله است .

سراب : همانای ، عنکبوت : گراتنه ، بشیر : مژده ور ، سفر : سررو ، بقرات : فراخ شاخان ، صابئین : نفوشاکان ، محراب : ورواره و هزارها ترکیب زیبای پارسی

۱ - برای تکمیل فایده رجوع شود به مقدمه دل انگیز آقای دکتر رجائی بر رساله «متنی پارسی از قرن چهارم» ص ۱ تا ۶

که از بیم تفصیل بهمین قدر قناعت شد .

از نکته‌های دقیق و باریک لهجه‌ای وفایده‌های زبانشناسی این کار سخنی نمی‌گویم چرا که آنرا مردی صاحب نظر باید ، و اما این قدر توان گفت که :

کلمات جشنگی بجای تشنگی، داذگان بجای دایگان ، جاذگاه بجای جایگاه، وشخاینده بجای بخشاینده و صورتهای مختلف دشمنادگی و دشمناذگی و دشمنانگی و دشمنایگی را بکرات دیده‌ایم نیز برای ترجمه کلمه قرص، در قرآنهای مختلف صورتهای، وام، بام، قام ، افام، قام (با سه نقطه) آمده است که هر کدام برای اهل تحقیق نکته‌ای است قابل بررسی. بعضی قرآنها در آخر ترجمه فعل نهی و امر غایب يك ، «الف» اضافه می‌کنند . مانند این امثله لکن: باشدا ، لیملل : برگویدا، لیؤد : گذاردا، لایبخس : مکهاندا ، لایاب : نسر باز زنندا و مثالهای متعدد دیگر ، قرآنی دیگر که آثار یکی از لهجه‌های خراسانی در آن فراوان دیده می‌شود در جلو ترجمه همین فعل نهی همان صیغه از مصدر نگرستن می‌آورد. لاتلقوا : نگرید خویشتن اندر نیو کنید ، لاتعدوا : نگرید ابتدا نکنید بکار زار کردن، علاوه بر این استعمال انواع یاهای مجهول بفراوانی، وضع صیغه‌های خاصی برای افعال عربی و نیز بکار بردن افعال نیشابوری- بقول مرحوم بهار- مانند کردستند و ساختستند و افعالی دیگر چون کردمانی و کردتانی از نکته‌های ساده و عادی این قرآنها می‌باشد.

از نظر تنوع معانی چون هنوز تعداد زیادی از این قرآنها فیش نشده حرفی نمی‌توان زد ولی برای مثال کافی است از معانی متعدد چند کلمه که فعلا در خاطر هست یاد شود و باقی نیز بر همین قیاس سنجیده آید . برای کلمه «سلوی» بمعنی پرنده‌ای از نوع تیهو تاکنون برابرهایی ، سمانه ، ورتیج ، ولج بریان ، کرجفوا و همچنین برای کلمه «عدس» - از حبوبات - معانی نسک ، نرسک ، نیزو و بنوسرخ یافته‌ایم .

برای این مورد واژه‌های استفهام فارسی که در برابر دو حرف استفهام عربی - سهل و همزه استفهام - بکار رفته نیز مثال خوبی است .

بسیاری از این برابر ها حتی در متون کهن و تفاسیر معتبر فارسی هم مسبوق به سابقه نیست (۱) در بیشتر موارد درین قرآنها حروف استفهام عربی معنی نمی‌شود و همانطور که ما امروز در محاوره استفهام را از آهنگ جمله درک می‌کنیم معلوم می‌شود در روزگار کتابت و ترجمه آن قرآن هم چنین بوده ، مواردی هم که کلماتی در برابر حروف استفهام

۱- رجوع کنید مجله دانشکده ادبیات مشهد سال پنجم ص ۱۱۲ مقاله « برخی نشانه‌های

نادر استفهام در فارسی » از آقای دکتر جلال متینی .

آورده شده بدون رعایت قاعده‌ای - عجاله چه ممکن است روزگاری قواعدی برای این استعمالها بدست آید- واژه‌های، ا، او، ای، آیا، یا، هیچ، چیز، هرگز، هرگزین هست، چیز، هست، چرا، چه و اکنون در برابر دو حرف استفهام عربی به کثرت استعمال دیده‌ایم.

در پایان باید افزود که این مجموعه قرآنها نمایشگاهی است از انواع خطوط اسلامی و چگونگی تحول آن در روزگاری دراز و نیز انواع کاغذ و رسم الخطهای متفاوت هر زمان و از همه مهمتر هنر نمائیه‌های تذهیب و تجلید روزگاران گذشته را درین نمایشگاه از هر جای دیگر صادق تر و گویاتر بتوان دید و از آن بهره برد.

سخن دراز شد و مطلب همچنان باقی است و بهر حال اعتراف دارم که این چند کلمه بهیچ وجه نمی‌تواند مزایای این اقدام بزرگ را یک از صد هانشان بدهد خاصه که این کار هم خدمتی است به اسلام و جامعه مسلمان و هم افقی دیگر در ادب و هنر پارسی می‌گشاید و در اهمیت آن همین بس که گوشه‌ای از خوان معنویت بی دریغ امام همام را به جهانی عرضه می‌دارد تا همگان از نعمتش برخوردار گردند.

محمد جعفر یاحقی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی